

دکتر شاداب ارشد  
استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی،  
دانشگاه کشمیر

## اخلاقیات در غزلیات غنی کشمیری

چکیده:

یکی از مهمترین ارکان ادب فارسی پرداختن به مسایل انسانی و آرمانی است که ادب نفس از مهمترین آنها به شمار می رود. ارزشهای اخلاقی ریشه در باورهای تاریخی اعتقادی دارد و به عنوان یکی از مهمترین فضایل والای انسانی، همواره مورد توجه و عنایت بسیاری از شاعران و نویسندگان بوده است. بسیاری از شاعران و نویسندگان موضوعات و مفاهیم بلند اخلاقی، آرمانی و انسانی را در اشعار خود، یا به صورت مستقل و یا در ضمن مطالب اصلی مطرح کرده اند، ولی نوع پرداخت و نحوه بیان در آنها یکسان نیست و موضوعات نیز به دلیل تنوعی که در این مقوله وجود دارد بسیار است. همچنین نوع قالبهای شعری نیز در پرداختن به مسایل اخلاقی و انسانی مهم است. راقم السطور در این مقاله می کوشد تا موضوع اخلاق را در غزلیات غنی کشمیری (۱۰۷۹ - ۱۰۱۴ ه.ق)، شاعر شهیر سبک هندی بررسی نماید؛ موضوعی که کمتر بدان پرداخته شده است. غنی کشمیری که همواره به خیالهای دقیق خود در زبان استعاره و ایهام و به ویژه دعوی و دلیل و ارسل المثل مشهور است. غزل در شعر غنی کشمیری در خدمت معارف اخلاقی قرار گرفته است. غنی سعی

کرده است نوعی ادب تعلیمی در حوزه اخلاق و ارزشهای والای انسانی احیاء نماید. موضوعات اخلاقی و آرمانی در غزلیات غنی حضور یافته است. غنی به مسایل اخلاقی بسیار متنوعی توجه داشته است و موضوعات فراوانی چون: عزت نفس، بزرگ منشی، مناعت طبع، قناعت، عدم توجه به دنیا، تواضع و فروتنی، خاموشی و سنجیده گویی، دستگیری از مظلوم و ستمدیده، مذمت حرص و طمع و بسیاری از موضوعات اخلاقی را در اشعار خود آورده است. بررسی ارزشهای اخلاقی در غزلیات غنی کشمیری با روش تحلیلی توصیفی، هدف این مقاله است

واژه های کلیدی:

اخلاق، قناعت، نفس، حرص، خاموشی، خاکساری، غنی

کشمیری

مقدمه:

اخلاق از مفاهیم کلیدی در زندگی آدم است و انسان با اخلاق و اخلاق نیز با انسان معنی و مفهوم پیدا می کند. در تعلیم و آموزه های بشری و اسلامی مداوم سفارش به اخلاق مورد توجه بوده است. جناب حضرت رسول کریم که سر آمد و علت هستی است، علت بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاق عنوان می کند:

(( انَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ )) (نیشا بوری، ۱۳۴۱: ۸)

و در قرآن کریم به نیک خلقی و داشتن خلق عظیم توصیف شده است: ((أَنْتَ لَعَلِيَّ خُلِقَ الْعَظِيمِ)) (قلم / ۴) پس در قاموس دین و سنت پیامبری که خود به کمال اخلاق توصیف گشته است و هدف

از رسالت خویش را اِکمال مکارم اخلاق قلمدار می نماید؛ طبیعی است که پیروان این مکتب و رسالت خویش را بدان نزدیک سازند. بیان مسایل مربوط به اخلاق در کتابها که به ویژه در این مورد تألیف شده اند چندان شگفت انگیز نمی نماید اما حضور معانی و منظورهای اخلاقی در شعر یا یک اثر غیر دینی جالب توجه است و این بیانگر کشش و تمایل و گرایش نویسندگان و سراینده آن اثر به مفاهیم اخلاقی است. نویسندگان متصوّفانه اگر چه به معانی و مسایل اخلاقی آنگونه که سزاوار است به تصریح نپرداختند اما اغلب آموزه های ایشان در این محور قرار می گیرند. کشف‌المجرب هجویری، کیمای سعادت غزالی، عوارف‌المعارف سهروردی، رساله قشیره و غیر آن بیانگر این مطلب است. در میان شاعران فارسی گوی نیز کم نیستند که در اشعار خود به این مهم توجه ویژه ای داشته اند و برخی آثار به ادب تعلیمی توجه خاصی داشته اند و به اشکال گوناگون به این مقوله پرداخته اند. آن چه اخلاق خواننده می شود عبارت از ادبی است که از آن به عنوان ادب نفس یاد کرد اند که در قول و فعل خود را نشان می دهد. خواجه نصیر الدین طوسی در اخلاق تعریف اخلاق می نویسد که:

(( آن عملی است به آن که نفس انسانی چگونه خلق اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او صادر می شود، جمیل و محمود بود)) (طوسی، ۱۳۶۹: ۴۸) شیخ شهاب الدین سهروردی نیز بر این باور است که: ((وجد سرّ صفات اندرون است همچنان که طاعت سرّ صفات ظاهر است و صفات

ظاهر حرکات و سکون است و سر صفات اندرون احوال است و  
اخلاق است)) (سهروردی ۱۳۸۶: ۹۵)

به هر حال غایت به کار بردن اخلاق، تهذیب درون و  
ایجاد بستری برای وصول به حقیقت و نیز تخلق به اخلاق الهی  
است تا آن جا که انسان به عنوان خلیفه خدا در روی زمین، درون  
و بیرونی پاک و خالص داشته باشد تا محل تجلی انوار رحمانی و  
کمالات انسانی باشد.

غنی کشمیری از آن شاعرانی است که در نگاه نخست و  
آن هم در غزل شاید از نظر این

عناصرچندان مورد عنایت خواننده نباشد ولی با الفت  
بیشتر در می یابد که غنی توجه ویژه ای به مقولات اخلاقی  
دارد؛ آن هم در غزل که مسایل اخلاقی در آن آنگونه که در  
مثنوی، قصیده و قطعه رخ می نماید چندان مشهور نیست. در  
اغلب غزلیات غنی کشمیری مفاهیم اخلاقی خود را نشان می  
دهند. از غزلیات غنی کشمیری بر می آید که او به مسایل اخلاقی  
اعتقاد را سخی دارد و اخلاقیاتی که به کار داشت آنها صفای درون  
و بیرون را باعث است، فرواوان مورد عنایت وی بوده  
است. توصیف و تبیین تمام آنها فرا تر از ظرف و فرصت يك مقاله  
است اما این مقاله می کوشد تا در حدّ مجال خود به توجهات غنی  
در حوزه اخلاقیات اشاره نماید؛ مسایلی که توجه و به کار بردن  
آنها ثمرات فراوانی در اعتلای روحی و معنوی و رسیدن به  
کمالات آدمی دارد.  
موضوعات اخلاقی:

## ۱- قناعت:

در لغت به معنی خر سندی به قسمت و بهره است و خوشنود به آنچه از سوی حق روزی آدمی است - صفت قناعت در آدمی نرد بانی از تعالی و ترقی می نهد تا به غیر حق توجه نکند زیرا قناعت در آدمهای متوکل بیشتر خود را نشان می دهد و انسانهای متوکل نیز نسبت به غیر متوکلان روحی آرامتر دارند - قناعت از واژگان کلیدی در اخلاق عرفانی است؛ بندگی به داشته و رضایت به آنچه نهاده خالق مطلق استه که ثمرات فراوانی بر آدمی فراهم می دارد - غنی کشمیری از شاعران عارفی است که در این خصوصی داد سخن داده است؛ غنی بر آن است که قناعت موجب آرامش خاطر و روح و روان آدمی می گردد چون قناعت درون و باطن انسان را روشن می سازد:

روشن به قناعت شود آئینه باطن

ماهی که دل امروز بود نان جوین است

(غنی، ۱۹۸۴م: ۹۸)

او یقین دارد که نبود صفت قناعت در آدمی موجب خواری و زبونی وی می گردد زیرا فردی که قناعت نداشته باشد به ناچار باید دست نیاز به هموعان و اغیار دراز کند و اجابت یا عدم اجابت، هر دو موجب مذلت می گردد:-

مرا به خانه سفالی زینوایی نیست

خوشتم که در کف من کاسه گدایی نیست

(همان: ۱۱۲)

گر شوی قانع در رزق تو وا خواهد شدن  
بر شکم سنگی که بندی آسیا خواهد شدن

(همان: ۲۱۱)

غنی توصیفات دل انگیزی از آن دارد و باروح عارفانه و  
شاعرانه این صفت را به نیکی در

دستگاه تخیل و تمثیل چنین توصیف می دارد:  
قانع شو و بر خویش مکن راه طلب و  
تا بسد رمق هست به جایی نتوان رفت

(غنی، ۱۹۸۴م: ۱۰۸)

یا:

دست کوتاه را مکش از آستین  
پای چون شد لنگ در دامان خوش است

(همان: ۱۲۱)

یا:

سایه پرورد قناعت بود آزرده غنی  
بر سرش گرمگس ظلّهما بنشیند

(همان: ۱۶۵)

یا:

قانع شدم ز لذت دنیا به اندکی  
خواب و خورش چو مردم چشمم بود یکی

۲- مڈمت حرص و طمع:

حرص در لغت به معنی آزو آزمندی است و آن ضدّ  
قناعت است - حرص، صفت ناپسندی در وجود آدمی است که

روح و روان وی را به طلاطم و نا آرامی سوق می دهد و جهات گوناگون بر شخص حریص تأثیر منفی به جای می گذارد - طمع و حرص از جمله موانع وصول آدمی به مراتب کمال است زیرا آنچه که موجب حرص می گردد توجه به تعلقات دنیوی است؛ چیزی که در عرفان و طریقت و نیز شریعت آن را مذموم دانسته اند. غنی از حرص و طمع به فضولی های طبع تعبیر می کند و بر این باور است که حرص و طمع انسان را به پستی، مذلت و هلاکت می اندازد:

ز راه حرص عجب نیست گر به خاک فتند  
سبک روان که چون شاهین بلند پروازند  
یا:

(همان: ۱۴۳)

دانه چین از حرص گشتن، دست از جان شستن است  
شد صدف را آخر از آب گهر پیمانه پُر  
یا:

(همان: ۱۷۲)

يك قطرة آب بیش نخوردم ز جوی حرص  
آن نیز عاقبت عرق انفعال شد

(همان: ۱۶۳)

غنی این صفت مذموم را در تمام دوران حیات آدمی جاری می داند و چه بسا هرچه سن آدمی بیشتر می گردد و دارایی ها نیز افزونی پیدا می کند، این صفت بیشتر خود را نشان می دهد و او را از مسیر اخلاق

متعالی و عدم تعلق دور می دارد:

حرص اگر غالب شود خلوت‌گزینی مشکل است

تشنه چون گردد زبان از کام می آید برون

(غنی، ۱۹۸۴م: ۲۱۵)

۳- عزت نفس و جلوگیری نفس اماره:

توجه به این نکته که آدمی از جایگاه ویژه‌ای در میان مخلوقات برخوردار است و این چند روز هستی به نص قرآن برای آزمایش و ابتلای آدمی است و علت آفرینش نیز عبارت و معرفت است که باید عزت نفس داشته و سر به هیچ تعلقی فرو نیاورد تا به قطع علایق مادی بتوان زمینه رشد و تعالی اخلاق وصول به حقیقت را فراهم داشت، در غزلیات غنی مورد توجه بوده است:-

کاسه خود پُر مکن ز نهار از خوان کسی

داغ از احسان خورشید است بر دل ماه را

(همان: ۷۶)

مریز آب رُخ خود برای نان ز نهار

که آبرو چو شود جمع، آب حیوان است

(همان: ۱۰۳)

روح انسانی را به اعتبار غلبه حیوانیت نفس اماره گویند و نفس اماره گویند از جهت آن که صاحب آن را همواره امر به کارهای بد می کند و این صفت رذیله و شیرانه از جمله موانع و صول آدمی به مراتب اخلاق است، به همین دلیل یکی از مهمترین افعال اخلاقی در وجود آدمی، جلوگیری نفس اماره است. در باره جلوگیری نفس اماره به دلیل اهمیت این صفت در



آدمی مطلب زیادی نوشته اند و نکات ارزنده ای بیان داشته اند:  
غنی کشمیری بر این پندار است که جلوگیری نفس جهاد  
مردان است۔

عنان نفس کشیدن جهاد مردان است  
نفس شمرده زدن کار اهل عرفان است  
یا:

(همان: ۱۰۳)

بلاست نفس عنان چو زد دست عقل گرفت  
عصا چو از کف موسی فتاد ثعبان است

(همان: ۱۰۳)

یا:

چند خون دل توان خوردن ز دست نفس خویش  
سنگ بستم بر شکم بهر شکست نفس خویش

(همان: ۱۷۸)

در اندیشه غنی روح یعنی جز، به کل مطلق واصل نمی  
گردد تا آدمی تحت امر نفس خود می باشد:

ندارد ره به گردون روح، تا باشد نفس در تن  
رسایی نیست در پرواز مرغ رشته در پارا

(غنی، ۱۹۸۴م: ۵۸)

سوی مسجد ندهد نفس بدم راه هنوز  
گرچه از بارگنه ساخت چو محراب مرا

(همان: ۶۷)

۴۔ دُنیا گریزی و عدم تعلق:

حبّ دنیا و مانیها مانع ترین تعلق آدمی در وصول به کمالات معنوی است، به همین دلیل دوستی دنیا را سرآمدترین خطاها دانسته اند. در آموزه های دینی، آیات الهی و احادیث نبوی نسبت به عدم دوستی دنیا سفارش و تاکید فراوان شده است.

غنی هستی و زندگی دنیایی را موهوم می انگارد و سفارش می کند تا از این سراب فریب نخوریم زیرا در سراب نمی توان غرق شد.

تاکی فریب هستی موهوم می خوردی  
نتوان چوعکس آئینه شد غرق در سراب  
(همان: ۹۱)

در نگاه غنی دنیا سرمایه افسوس است و در ظرف خود جز عدم هیچ چیزی ندارد؛ پس دلدادگی به هیچ چیزی نمی آرد.  
عیشی که نمی پاید سرمایه افسوس است  
این دست حنا بسته برهم زدنی دارد  
یا:

(همان: ۱۶۷)  
در چشم اهل بینش دنیا تمام بازیست  
این انجم و فلک را دانند بیضه و طشت  
یا:

(همان: ۱۰۸)  
دنیا بزرگ باشد در دیده غلط بین  
اندک به چشم احوال بسیاری می نماید

یا:

(همان: ۱۵۴)

داغم که دل صاف مکدر ز جهان رفت  
چون آب روان آمد و چون ریگ روان رفت

یا:

(همان: ۱۰۸)

غنی زیر زمین اهل فنارا  
بود عیشی که بر روی زمین نیست

یا:

(همان: ۱۱۶)

منصور بار بست ز دنیا و دار ماند  
پرواز کرد گل ز گلستان و خار ماند

یا:

(غنی، ۱۹۸۴م: ۱۳۹)

غرور اقسام گوناگونی دارد گاه از داشته هاست و گاه از  
نداشته های کاذب که هر دو آفت در وجود آدمی در رسیدن به  
معارف و کمالات است. غنی به این نکته اهمیت زیادی داده، در  
غزلیات پر شورش این نکته را بایسته گوشزد کرده است:

هر که را در عین اقبال است چشمی بر زمین  
چون مه و خورشید نور چشم عالم می شود

(همان: ۱۶۶)

کبر در سلسله باده کشان کم باشد  
تاک هر چند که بی بار بود خم باشد

(همان: ۱۵۰)

۵- توجه به ناتوانان، دستگیری از عاجزان و آزار ندادن  
کسان:

یکی از افعال اخلاقی در وجود آدمی توجه به هممنوعان  
به ویژه به ضعیفان است. در سیره بزرگان دین این اندیشه و فعل  
پیوسته بیان شده است؛ پیمان حلف الفضول که در زمان پیامبر  
اکرم تحقق یافت

بر این اندیشه صورت گرفت که یاریگر بیچارگان و ناتوان  
باشد.

غنی کشمیری تصاویر و پیام های جالبی در این خصوص  
دارد. او توصیه می دارد که بدی های کسی را فاش کردن پیشه  
مکن.

بینی ز کسی اگر بدی یا شنوی  
در پرده چشم و پرده گوش بپوش  
(همان: ۲۳۶)

نیک و بد کس گوش نکردن همه هوش است  
مغزی که بود در سر کس پنبه به گوش است  
(همان: ۱۱۵)

در اندیشه غنی دستگیری کردن به کسی به از دست نیاز  
سوی مردم دراز کردن است.

مشکل بود گرفتن چیزی ز دست خلق  
دست کسی بگیر اگر دست می دهد  
(همان: ۱۶۰)

او بر این پندار است که کوشش کردن برای راحت و آرام  
دیگران اخلاق بهتر است:

سعی بهر راحت همسائیان کردن خوش است  
بشود گوش از برای خواب چشم افسانها  
(همان: ۶۲)

به جز از آزار از همسایه بد کس نمی بیند  
غنی استادگی از لب گزیدن نیست دندان را  
(همان: ۷۳)

بیدلان را گاه گاهی می توان دادن دلی  
ای که ایزد صورت دل داد پیکان ترا  
(همان: ۸۱)

۶- خاموشی و سنجیده گویی:

کم گویی و سنجیده گویی یکی از محاسن اخلاقی است  
چون پُر گویی نتیجه نداشتن اندیشه است و چون آدمی بی تفکر  
سخن گوید، گاه تیری را ماند که هم گوینده و هم شنونده را متألم  
می سازد.

غنی به این نکته اخلاقی فراوان توجه دارد و ابیات  
فراوانی را در این خصوص سروده است، می گوید که هیچ وقت  
خاموشی را ترك نداده است:

هیچگه سررشته خاموشی از دستم نرفت  
بی سبب چون آستینم بخیه بر لب می زنند  
و نیز خاموشی صفت دلهای روشن است:  
(غنی، ۱۹۸۴: م ۱۴۶)

می پذیرد ز خموشی دل بی نورصفا  
نفس سوخته خاکستر این آئینه است  
(همان: ۱۰۵)

غنی راحتی، فراغت و عیش را در خاموشی می داند:  
بی زبان باش اگر میل فراغت داری  
طفل اشک است از تکلیف دبستان آزاد  
(همان: ۱۲۸)

مهر خاموشی بر لب نه تا بود عیشت به کام  
بی زبانی پسته را در خنده می دارد مدام  
(همان: ۱۸۸)

او بر این باور است که جواهر ناپیدا باسنجیده گویی پیدا  
می آید و احیای معانی از رهگذر سنجیده گویی و خاموشی به  
دست می آید:

ملایم می شود در گفتگو هر کس که کامل شد  
که دایم پنبه باشد در دهن مینای پُر می را  
(همان: ۸۹)

وضع ملایم بود تیغ زبان را سپر تیره  
نسازد نفس آئینه آب را  
(همان: ۸۷)

۷- تواضع و فروتنی:

تواضع و خشوع از صفات عالی انسان و از خصایص  
انسانهای وارسته است زیرا ضعف ذاتی بشر که در کلام الهی بدان  
اشاره شده است هیچ گاه بر غیر تواضع شایسته نیست - تکبر تنها از

آن الله اکبری است که جمله آفاق و انفس از اوست - کلام الهی  
صاحب رسالت را چنین خطاب می دارد که :  
ای رسول اگر درشت خوی بودی، هر آئینه مردمان از  
کنارت می جهیدند و به دیگر سوی می رفتند - این خلق و خصیبه  
باید در وجود آدمی جای گیرد و تمکین یابد:  
غنی تواضع و سبکساری را سر بلندی می داند و باور دارد  
که پای صاحب تواضع به هیچ جا نلغزد:  
هر که در راه سبکساری قدم زد چون حباب  
هیچ جا پایش نلغزد گر رود بر روی آب  
(غنی، ۱۹۸۴م: ۹۱)  
غنی بر این باور است که خاکساری بهترین عبادت در  
جهان است:

عبادتی به جهان به ز خاکساری نیست  
به از وضوی عزیزان بود تیمم ما  
(همان: ۷۵)  
غنی توسط صفت خاکساری و تواضع خود همه را یاد می  
دهد که باید خاکساری را در هر حال اختیار کرد -  
بس که در هر گوشه تخم خاکساری کاشتم  
گرز باد از مزرع ما خوشه چینی می کند  
(همان: ۱۳۵)  
خویش را با که بسنجم غنی در سبکی  
نیست جز سایه خود سنگ ترازو ما را  
(همان: ۷۵)

نتیجه گیری:

قالب غزل بیشتر به معاشقه ما مغازله و بیان عواطف اختصاص دراد و کمتر به ظهور نوعهای ادبی دیگر مربوط است، ولی در شعر غنی کشمیری غزل در خدمت معارف انسانی و اخلاقی قرار گرفته است. اور در این قالب کوشش کرده است تا نوعی ادب تعلیمی را در حوزه اخلاق و معارف انسانیالقاء نماید. ارسال المثل های دلپذیر و اسلوب معادله های جالب توجه در اشعار غنی به شکلی زیبار خدمت بیان مسایل اخلاقی در آمده است. موضوعات اخلاقی و معرفتی که در میان صوفیه و علاقه مندان به این ساخت در آثار منشور پیوسته مورد توجه بوده است در اشعار غنی کاملاً محل ظهور یافته است. غنی به مسایل اخلاقی بسیار متنوعی توجه داشته است اوموضوعات فراوانی چون: تواضع و فروتنی، عدم توجه به دنیا، عزت نفس، قناعت، دستگیری از ستمدیده، و بسیاری از موضوعات اخلاقی را در اشعار خود آورده است.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران
- ۳- سجادی، دکتر سید جعفر؛ فرهنگ لغات و اصلاحات و تعبيرات عرفانی، انتشارات کتابخانه طهوری، تهران چاپ اول، ۱۳۵۰ هـ. ش.



- ۴- سهروردی، شیخ شهاب الدین؛ عوازف المعارف، مترجم ابو منصور بن عبد المومن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۵- شیروانی، دکتر ریاض احمد؛ غنی کشمیری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۶ هـ.ش
- ۶- طوسی، خواجه نصر الدین؛ اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبیٰ مینوی، موسسه تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ چهارم ۱۳۶۹ هـ.ش.
- ۷- عطار نیشاپوری، فرید الدین؛ مصیبت نامه، به تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، چاپ اول ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۸- غنی کشمیری، ملا محمد طاهر؛ دیوان غنی، مقدمه، تصحیح و حواشی از علی جواد زیدی، انتشارات فرهنگستان، هنر، فرهنگ و زبانهای جامو و کشمیر، سرینگر، چاپ دوم ۱۹۸۴ میلادی.